

گیلکی: زبانی در معرض خطر

مریم‌سادات فیاضی (عضو هیئت علمی دانشگاه گیلان)

چکیده: در چند دهه اخیر، در معرض خطر بودن^۱ زبان‌ها تبدیل به یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی زبان‌شناسان، جامعه‌شناسان و برنامه‌ریزان زبان شده است. در این فرایند، به دلایلی چند، گویشوران جوامع زبانی کوچک‌تر یا فرودست، کاربرد میراث زبانی اجدادشان را کنار گذاشته و شروع به استفاده از زبانی دیگر می‌کنند. این مسئله زمانی پدیدار می‌شود که والدین در گفت‌وگوهای خود با فرزندانشان تنها از زبان دوم استفاده می‌کنند و به تدریج انتقال میان‌نسلی^۲ کاهش یافته و در نهایت متوقف می‌شود. در نتیجه، دیگر گویشوری نخواهد بود تا به این زبان به‌عنوان زبان مادری یا زبان اول خود سخن بگویند و به این ترتیب مرگ آن زبان رقم می‌خورد و خاموش می‌شود. در این صورت، ردپای آن زبان را تنها در صداهای ضبط‌شده یا متون مکتوب آن باید جست؛ و اگر زبانی فاقد هر گونه مستنداتی باشد به‌طور کامل از میان خواهد رفت. پژوهش حاضر با هدف معرفی مقیاس‌های ارزیابی سلامت یک زبان، بر آن است تا میزان حیات زبان گیلکی را تعیین کند.

کلیدواژه‌ها: گیلکی، ارزیابی وضعیت حیات، فیشمن، یونسکو، اتنولوگ

1. endangerment
2. intergenerational transmission

۱. مقدمه

با استناد به نسخه ویرایش شده اتنولوگ (Lewis 2009) از میان ۶۹۰۹ زبان زنده دنیا، ۴۵۷ زبان تقریباً خاموش شده‌اند که در میان سطوح متفاوت در معرض خطر بودن قرار می‌گیرند و سایر لایه‌های کم خطرتر تاکنون در اتنولوگ از یکدیگر تفکیک نشده‌اند (Lewis and Simons 2010). اما اگر صرفاً شمار گویشوران یک زبان معیار سلامت زبان‌ها باشد اکنون ۳۵۲۴ زبان شناخته شده در جهان وجود دارد که تعداد سخن‌گویانشان به کمتر از ده هزار نفر کاهش یافته است؛ یعنی چیزی بیش از ۵۰ درصد زبان‌های زنده دنیا. مشخص نیست که تعداد این زبان‌ها از پیدایش انسان تاکنون چقدر بوده اما بی‌تردید بسیار پرشمارتر از اندازه امروزی آن بوده است. از آنجاکه مستندات ما مبتنی بر شواهدی است که پس از پیدایش خط به دست آمده ما صرفاً بر اساس چنین شواهدی می‌توانیم کاربرد یک زبان را در زمان و مکانی خاص مشخص کنیم. کهن‌ترین شواهد از زبان سومری در حدود چهار هزار سال پیش از میلاد بر جای مانده است. مصریان باستان که در مجاورت سومریان می‌زیستند نظام نوشتاری‌ای را که ادامه‌دهنده الگوهای نوشتاری سومریان بود ابداع کردند. اما زبان مصری نیز همانند زبان سومری مرد و از میان رفت. چرا سومری و مصری مُردند؟ دلیل نابودی این دو زبان شکست گویشوران این دو زبان به دست گویشوران سامی بود. سومری‌ها در هزاره سوم پیش از میلاد مغلوب اکدی‌ها شدند و مصری‌ها در قرن هفتم میلادی به دست اعراب از پای درآمدند. زبان‌های سومری و مصری به ناگاه از بین رفتند بلکه زبان‌های اکدی و عربی به تدریج و در طول زمان جایگزین این دو زبان شدند (Thomason 2015: 1).

جای تردید نیست که صدها زبان و حتی شاید هزاران زبان کمتر شناخته شده طی قرون گذشته به چنین سرنوشتی دچار شدند. بر اساس مستندات تاریخی، اطلاعات ارزشمندی درباره این زبان‌ها و بر اساس منابع جدیدتر اطلاعاتی درباره سایر زبان‌ها داریم. میزان در معرض خطر بودن یک زبان مسئله‌ای نسبی است. در یک سر پیوستار، زبان‌هایی وجود دارند که در گسترده جغرافیایی یا کاربردی وسیعی به کار می‌روند و در مقام زبانی غالب^۱

عرض اندام می‌کنند. در سوی دیگر این پیوستار نیز زبان‌هایی دیده می‌شوند که کاربرد هویت‌سازی خود را از دست داده و خاموش شده‌اند. در حد وسط این پیوستار نیز زبان‌هایی با توان حیات بیشتر یا کمتر دیده می‌شوند.

زبان‌شناسان در توصیف زبان‌های در معرض خطر به دو معیار توجه می‌کنند: نخست، شمار کاربرانی^۱ که هویتشان را آن زبان تعیین می‌کند؛ و دیگری، شمار و ماهیت کاربردها^۲ یا نقش‌هایی که آن زبان برای آنها به خدمت گرفته می‌شود. بنابراین، برخی زبان‌ها به این دلیل خاموش می‌شوند که افراد کمتر و کمتری خود را به‌عنوان افراد آن جامعه زبانی معرفی می‌کنند و در نتیجه نه آن زبان را به‌کار می‌برند و نه آن را به فرزندان خود منتقل می‌کنند. بعضی از زبان‌ها نیز کاربردهای خود را در فعالیت‌های روزانه از دست می‌دهند و هر چه کمتر برای اهداف ارتباطی و اجتماعی خاص به خدمت گرفته می‌شوند. با توجه به این که صورت^۳ تابعی است از نقش^۴، زبان‌هایی که برای توصیف جنبه‌های کمتری از زندگی به‌کار می‌روند به تدریج از میزان پیچیدگی ساختاری‌شان کاسته می‌شود و این مسئله به‌نوبه خود بر میزان ادراک کاربران زبان از تناسب یک پاره‌گفتار با مجموعه‌ای از موقعیت‌های کاربردی خاص اثر می‌گذارد. در نتیجه این چرخه پایین‌رونده، زبان رو به اضمحلال می‌گذارد.

مهم‌ترین و اصلی‌ترین پرسشی که در ارتباط با در معرض خطر بودن یک زبان مطرح می‌شود این است که انگیزه‌های گویشوران برای وانهادن زبان خود و برگزیدن زبانی جایگزین چیست و پیامدهای جامعه‌شناختی و روان‌شناختی مرگ یک زبان کدام‌اند. از آنجاکه پیوند میان زبان و فرهنگ بسیار درهم‌تنیده است، از دست رفتن یک زبان همواره با گسست اجتماعی و فرهنگی همراه است. به سخن دقیق‌تر، میراث معنوی تمامی یک جامعه با خاموشی یک زبان از میان می‌رود. کسانی که به خطرات ناشی از در معرض خطر بودن یک زبان می‌اندیشند به‌روشنی از تبعات ناشی از خاموشی یک زبان بر تنوعات زبانی خواه از منظر جامعه‌شناختی، خواه از منظر زبان‌شناختی آگاه‌اند و اهمیت مطالعه زبان برای جامعه دانشگاهی را که موضوع مطالعه‌اش زبان در مقام یک پدیده بشری است دریافته‌اند.

1. users

2. uses

3. form

4. function

۲. در معرض خطر بودن یک زبان و معیارهای ارزیابی سلامت یک زبان

اگرچه تلاش‌های بسیاری برای اندازه‌گیری میزان زنده بودن یک زبان صورت گرفته است، هنوز معیار مشخصی برای گزینش بهترین شیوه ارزیابی ارائه نشده است. جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان زبان در جست‌وجوی تعیین گرایش‌های کاربرد زبان از راه تعریف روش‌های دقیق اندازه‌گیری میزان زنده بودن یک زبان، ابزارهایی همچون تغییر در شمار گویشوران یک زبان یا دگرگونی در کاربردهای زبان در حوزه‌های کاربردی خاص را پیشنهاد می‌کنند. درحالی‌که دوزبانگی حتی در بالاترین سطح خود شرط لازم برای مرگ یک زبان محسوب نمی‌شود، افزایش دوزبانگی چه در تعداد افراد دوزبانه و چه در سطح مهارت‌های زبانی‌شان غالباً به‌طور غیرمستقیم با گرایش‌های مربوط به مرگ زبانی مرتبط انگاشته می‌شود. افزون‌بر این، معیارهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی چندی نیز وجود دارند که بر ادراک از خود و انگیزه‌های یک جامعه زبانی اثر می‌گذارد.

علی‌رغم اختلاف نظرها در باره عوامل خاموشی زبان، پژوهشگران بر این دو بُعد کاربرد زبان اتفاق نظر دارند: کاربران و نقش‌های زبان؛ و با استناد به دو بعد پیش‌گفته معیارهای زیر را برای اندازه‌گیری میزان در معرض خطر بودن یک زبان ارائه کرده‌اند.

- شمار گویشوران
- جمعیت قومی؛ شمار کسانی که هویت قومی‌شان با آن زبان تعریف می‌شود (خواه به آن زبان سخن بگویند یا نگویند)
- ثبات و چگونگی تغییر در شمار گویشوران
- الگوهای اقامت و مهاجرت گویشوران
- کاربرد زبان دوم
- کاربرد آن زبان به عنوان زبان دوم توسط دیگران
- نگرش موجود در جامعه به آن زبان
- میانگین سنی گویشوران
- حوزه‌های کاربرد زبان
- به رسمیت شناختن آن زبان در کشور یا منطقه

- راه‌های انتقال زبان (آیا کودکان آن زبان را در خانه فرامی‌گیرند یا در مدرسه به آنها آموزش داده می‌شود)

- عوامل غیر زبان‌شناختی مانند فرصت‌های اقتصادی یا عدم وجود آن

اگرچه برهم‌کنش این عوامل در درون یک جامعه بسیار پویاست و سبب می‌شود نتوان آنها را به‌طور کامل پیش‌بینی کرد، چنین تعاملاتی تابع گرایش‌ها و الگوهای قابل تشخیص هستند. پژوهشگران در این نکته به اجماع رسیده‌اند که عامل کلیدی برای اندازه‌گیری میزان سلامت یک زبان در معرض خطر پاسخ‌گویی به این پرسش است که تا چه اندازه انتقال بیننسلی یک زبان دست‌نخورده باقی مانده است.

۱.۲. مقیاس گسست بیننسلی فیشمن

تا کنون پژوهش‌های بسیاری دربارهٔ عوامل و فرایندهای اضمحلال و مرگ یک زبان صورت گرفته است (Denison 1977؛ Gal 1978؛ Dorian 1977, 1980, 1981, 1987, 1989؛ Skutnabb-Kangas 2000). اما شاید این حوزه مطالعاتی بیش از همه وامدار جاشوا فیشمن باشد که پژوهش‌هایش به درک درستی از مفاهیم کاربرد زبان در جامعه انجامید. اثرگذارترین دستاورد او معرفی مقیاس هشت درجه‌ای گسست بیننسلی فیشمن^۱ است که در دو دههٔ گذشته چارچوب اصلی ارزیابی سلامت زبان‌های در معرض خطر بوده است. این درحالی است که یونسکو مقیاسی پنج‌درجه‌ای و اتنولوگ^۲ مقیاسی شش‌درجه‌ای پیشنهاد می‌کنند. پس از انتشار مقیاس هشت درجه‌ای گسست بیننسلی فیشمن، معیارهای دیگری نیز برای ارزیابی سلامت زبان‌ها پیشنهاد شد (Lewis 2006؛ Brenzinger et al, 2003) اما مقیاس او با در نظر گرفتن نقش کلیدی انتقال بیننسلی همچنان به‌عنوان الگوی اصلی مفهومی اندازه‌گیری در معرض خطر بودن زبان‌ها باقی ماند. بر اساس الگوی انتقال بیننسلی، اگر فرزندان، زبان را از والدین خود فرانگیرند غیرمحمول است که بتوانند آن زبان را به فرندان خود بیاموزند. به باور فیشمن تصمیم فردی والدین در کنار انتخاب‌های اجتماعی و قراردادی جامعه، رفتار زبانی والدین را در ارتباط با فرندانشان تعریف

1. Fishman's 8-Graded Intergenerational Disruption Scale
2. Ethnologue

می‌کند. عوامل اجتماعی منجر به شکل‌گیری فضاهاى اجتماعى اى می‌شوند که کاربردهاى زبان در بستر آن شکل می‌گیرند. این فضاهاى اجتماعى همانى است که فیشمن از آن با عنوان حوزه‌هاى کاربرد یاد می‌کند و هر یک به‌نوبه خود از مجموعه‌اى از مشارکین، موقعیت مکانى و موضوعى که به یک زبان خاص پیوند دارد تشکیل می‌شوند. گزینش زبان در طول زمان به یک هنجار اجتماعى ثابت تبدیل می‌شود به‌طوری که انتظار می‌رود برای هر موقعیت مشارک - موقعیت - موضوع خاص، زبان خاص آن موقعیت به‌کار برود. با کاهش تدریجى این هنجارها، به‌واسطه ازدست رفتن نقش‌هاى کاربردى زبان، دگرگونی در زبان آغاز می‌شود. زمانى که شمار موقعیت‌هاى کاربردى یک زبان تقلیل می‌یابد، والدین احساس می‌کنند که آن زبان در مقایسه با زبان دیگر غنای خود را از دست داده و بیش از آن نمی‌تواند کارآمد باشد، در نتیجه ریزش گویشوران یک زبان نیز آغاز می‌شود. مقیاس هشت درجه‌اى فیشمن ابزاری است برای اندازه‌گیری گسست میان کاربرد یک زبان به‌وسیله تعداد پرشمار گویشوران و توقف کامل در استفاده از یک زبان خاص به دلیل عدم وجود گویشور. در جدول ۱ مقیاس فیشمن معرفی شده و در آن تعریف سطح‌ها بر اساس حوزه‌ها و برجسته‌ترین الگوهاى کاربردى به‌روشنی مشخص شده است.

سطح	توصیف
۱	زبان در سطح گسترده ملی برای آموزش، کار، رسانه‌هاى جمعی و دولت به‌کار می‌رود.
۲	زبان در رسانه‌هاى محلی و منطقه‌اى و برای امور دولتی به‌کار می‌رود.
۳	زبان در محیط‌هاى کارى محلی و منطقه‌اى به‌وسیله افراد خودى و بیگانه به‌کار می‌رود.
۴	سواد زبانی از راه تدریس آموزش داده می‌شود.
۵	تمام نسل‌ها از زبان به‌صورت شفاهى استفاده می‌کنند و صورت نوشتاری به‌طور مؤثرى در تمام جامعه به‌کار می‌رود.
۶	تمامى نسل‌ها زبان را به‌صورت شفاهى به‌کار می‌برند و کودکان آن زبان را به‌عنوان زبان اول خود یاد می‌گیرند.
۷	نسل داراى فرزند به‌خوبى زبان را می‌داند و از آن در هنگام گفت‌وگو با کهن‌سالان استفاده می‌کند اما آن را به فرزندان خود نمی‌آموزد.
۸	تنها گویشوران باقى مانده، نسل پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها هستند.

جدول ۱. خلاصه مقیاس هشت درجه‌اى گسست بینانسللى فیشمن (برگرفته از فیشمن ۱۹۹۱)

از منظر ارزیابی وضعیت حیات یک زبان، مقیاس فیشمن بیشتر بر سطح زوال یک زبان تأکید دارد تا بر سطح بقای آن. با مطالعه جدول بالا می‌توان دریافت که اولین سطح مقیاس فیشمن بر سلامت کامل یک زبان دلالت دارد و آخرین سطح از آخرین نشانه‌های حیات آن. این در حالی است که گرایش عمومی در ارتباط با زبان جوامع در اقلیت به مسیری پایین‌رونده در مقیاس فیشمن اشاره دارد؛ به این اعتبار که در توصیف هر مرحله از زندگی آن زبان کاهش تدریجی در کاربردها (نقش‌ها، حوزه‌ها) و شمار کاربران دیده می‌شود. به باور فیشمن زبان بسیاری از جوامع در اقلیت در مقیاس ۶ قرار دارد. بنابراین برای حفظ و تقویت آن زبان کوشش چشمگیری لازم است تا آن زبان پس از گذر از سطوح پنج‌گانه، به جایگاهی امن و سالم برسد. به عبارت روشن‌تر، در واقعیت حتی با استفاده از نیروهای برون‌زبانی نیز احیای یک زبان در خطر نابودی غیرممکن خواهد بود.

اگرچه مقیاس فیشمن، از ابتدای مطرح شدنش در دو دهه قبل، به درک جدیدی از پویایی تغییرات و دگرگونی‌های زبانی انجامید اما در هنگام بررسی مسئله تلاش برای حفظ و احیای زبان‌ها و نیز ارزیابی میزان در معرض خطر بودن ناکارآمدی‌های آن رخ نمود. کاربرد مقیاس فیشمن در موقعیت‌هایی خاص، منجر به بازنگری و صورت‌بندی جدید سطوح پیشنهادی او و به‌طور خاص سطوح بالاتر شد، یعنی سطوحی که عوامل اثرگذار نقش، قالب و ماهیت آموزش را نمی‌توان از نظر دور داشت. نخست آنکه، مقیاس فیشمن، سطوح گسست را در شرایطی نسبتاً ایستا توصیف می‌کند. یعنی اگرچه اشاره می‌کند تغییرات زبانی موجب گسست انتقال بین‌نسلی می‌شود اما برای توجیه جهتمند بودن تغییرات زبانی در مقابل تکامل زبانی از کفایت لازم برخوردار نیست. در نتیجه، جامعه‌ای که در سطح ۶ قرار دارد اما به سوی لایه ۷ در حرکت است (در جریان دگرگونی زبانی) در مقایسه با جامعه‌ای که به سمت سطح ۵ میل کرده (در جریان تکامل زبانی) به مجموعه متفاوتی از مداخلات نیاز دارند. به سخن دقیق‌تر تعاریف موجود در سطح ۶ باید این تمایزات را نشان دهد که قاعدتاً نمی‌تواند.

دوم، مقیاس فیشمن در توصیف تمامی حالت‌های ممکن یک زبان ناتوان است. در

بالاترین سطح مقیاس، مجموعه انگشت‌شماری از زبان‌ها قرار دارند که گستره کاربردشان بیش از سطح یک است. در پایین‌ترین سطح نیز زبان‌هایی دیده می‌شوند که کاملاً خاموش شده‌اند و تعدادی نیز که به‌عنوان زبان موروثی یک جامعه زبانی پویا رو به زوال هستند. در این حال، اگر قرار باشد مقیاس فیشرمن چارچوبی برای توصیف چرخه زندگی همه زبان‌ها باشد باید سطوح چندی را به آن افزود.

سوم، فیشرمن به‌روشنی انتقال بینانسی را به‌عنوان برجسته‌ترین عامل دگرگونی زبان معرفی کرده است. این مسئله به‌طور تلویحی مبین آن است که کانون تلاش برای احیا زبان، باید در میان افراد، داخل محدوده خانه سخن‌گویان و در درون جوامع محلی باشد یعنی موردی که در سطح ۶ و سطوح پایین‌تر دیده می‌شود. این در حالی است که در سطوح بالای ۶ مؤسسات بیرون از خانه برای انتقال و گسترش زبان نقش پررنگ‌تر و فزاینده‌ای می‌یابند. به همین دلیل است که سطح ۷ و پایین آن آشکارا به گسست بینانسی مرتبط می‌شود حال آنکه سطح ۵ و بالای آن بر تکامل زبان از راه مؤسساتی که موجب انتقال بیشتر و گسترده‌تر می‌شود تأکید می‌کند. درک این ناکارآمدی موجب شد تا فیشرمن در الگوی اولیه خود بازنگری کرده (2001) و در جریان تقویت یک زبان و حرکت آن به سمت سطوح بالاتر، نقش بنیادی‌تری برای مؤسسات اجتماعی (از جمله خانه) قائل شود.

چهارم، اگرچه ظاهراً گسست زبانی در نسخه اولیه مقیاس فیشرمن در کانون توجه قرار دارد اما در عمل، سطوح پایین‌تر یعنی سطوحی که میزان گسست در آن بزرگ‌تر است کمتر مطالعه شده است. این مسئله در هنگام توصیف دگرگونی‌های زبانی و نابودی یک زبان که به مقولات کمتری نیاز است، چندان مشکل‌ساز نیست. اما برای احیا زبان، مجموعه‌ای از مقولات جزءبه‌جزء کارآمدتر خواهد بود. در نتیجه برای توصیف زبان‌ها به مقیاسی نیاز خواهیم داشت که مجموعه‌ای غنی از مقولات تحلیلی و نشانگر را در خود داشته باشند یعنی مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی که در ارزیابی هر زبان باید به آنها پرداخت.

۲.۲. چارچوب در معرض خطر بودن زبان یونسکو

پیامد کاستی‌های مقیاس فیشرمن، ارائه چارچوب جایگزینی بود که در سال ۲۰۰۳ توسط

شماری از متخصصان یونسکو برای ارزیابی وضعیت سلامت یا در خطر بودن یک زبان پیشنهاد شد (Brenzinger et al. 2003). در این چارچوب جدید مجموعه‌ی نُه‌گانه‌ای از عوامل در کنار یکدیگر، شش طبقه سلامت‌سنجی را برای ارزیابی زبان‌ها معرفی می‌کنند که انتقال بینانسی در کانون آن قرار دارد. در جدول ۲ فهرست مقولات و وضعیت بینانسی منطبق با آنها را می‌توان مشاهده کرد.

میزان در معرض خطر بودن	انتقال بینانسی زبان
سالم ^۱	تمامی نسل‌ها به زبان سخن می‌گویند و انتقال بینانسی گسسته نشده است.
آسیب‌پذیر ^۲	بیشتر فرزندان به زبان سخن می‌گویند، اما کاربرد آن محدود به حوزه‌های خاصی است.
نسبتاً در معرض خطر ^۳	فرزندان زبان را به‌عنوان زبان مادری خود در خانه یاد نمی‌گیرند.
به شدت در معرض خطر ^۴	گوشوران زبان افراد کهن‌سال هستند و اگرچه نسل جوان‌تر (پدرها و مادرها) کاملاً آن را متوجه می‌شوند اما به آن سخن نمی‌گویند و زبان را به کودکان خود نمی‌آموزند.
بحرانی ^۵	گوشوران زبان تنها کهن‌سالانی هستند که در بافت‌هایی خاص و بسیار اندک به زبان خود صحبت می‌کنند.
خاموش ^۶	هیچ گوشوری برای زبان وجود ندارد.

جدول ۲. چارچوب یونسکو (یونسکو ۲۰۰۹)

بر خلاف مقیاس فیشمن، چارچوب یونسکو مجموعه متنوع‌تری از مقولات را برای سطح پایینی ضعیف‌تر پیشنهاد می‌کند. البته باید توجه داشت که وضعیت زبان‌های بالای سطح ۶ در مقیاس فیشمن چندان تفاوتی ندارد و یونسکو تمامی آنها را زیر عنوان سالم جای می‌دهد. علی‌رغم روبرو بودن با موانع جدی برای کاربست این چارچوب (Lewis 2006)،

1. safe

4. severely endangered

2. vulnerable

5. critically endangered

3. definitely endangered

6. extinct

یونسکو آخرین نسخه ویرایش‌شده اطلس زبان‌های در معرض خطر^۱ را منتشر کرد (UNESCO 2009).

۳.۲. مقولات حیاتِ زبانِ اتنولوگ

اتنولوگ (Gordon 2005؛ Grimes 1995؛ Lewis 2009) میزان حیات زبان‌ها را بر اساس سطوح پنج‌گانه‌ای طبقه‌بندی می‌کند که شمار گویشوران زبان اول در مقایسه با سایر عوامل در کانون توجه قرار دارد. جدول ۳ فهرست این عوامل و تعاریف مربوط به آنها را به دست می‌دهد.

مقوله	توصیف
زنده	جمعیت قابل توجه گویشوران زبان اول
صرفاً زبان دوم	زبان تنها به‌عنوان زبان دوم به‌کار می‌رود. به‌عنوان زبان اول گویشور ندارد، اما ممکن است شمار اندکی گویشور نوظهور داشته باشد.
تقریباً خاموش	کمتر از ۵۰ گویشور دارد و زبان بخش بسیار کوچکی از یک قوم است.
غیرفعال	هیچ گویشور شناخته‌شده‌ای ندارد اما قوم خاصی هویت قومی خود را با آن زبان تعریف می‌کند.
خاموش	هیچ گویشوری ندارد و برای توصیف قومی هیچ قومی به‌کار نمی‌رود.

جدول ۳. مقولات حیاتِ زبانِ اتنولوگ

همانند چارچوب یونسکو، اتنولوگ نیز در ارائه معیاری برای تمیز دادن زبان‌های سطوح بالاترِ مقیاس فیشمن از یکدیگر ناکام می‌ماند. یعنی لایه‌هایی که معیارسازیِ زبان و کاربرد صورت نوشتاری برای اهداف آموزشی، کاری و دولتی عامل بسیار مهمی در نظر آورده می‌شود. از تنوع موقعیت‌ها و سطوح تکاملی که در میان زبان‌ها دیده می‌شود، در اتنولوگ تنها با برجسب زنده^۲ یاد شده است. به‌عبارت روشن‌تر، مقوله زنده پیش‌فرض در نظر گرفته شده و بدون تعریف به حال خود وانهادده شده است. اتنولوگ مقوله زبان دوم را نیز تا مدت‌ها تنها

1. The UNESCO Atlas of the World's Languages in Danger

2. living

برای زبان‌هایی به‌کار می‌برد که همچنان کاربرد دارند اما افراد جامعه آن زبان را به‌عنوان زبان اول خود یاد نمی‌گیرند. به‌طور کلی، این زبان‌ها، زبان‌های نیایشی یا زبان‌های دارای کاربرد خاص (زبان شغلی^۱، اصطلاحات شغلی^۲، پیچین‌ها و امثال آن) هستند. در شانزدهمین نسخه ویرایش‌شده اتنولوگ، مقوله زبان دوم به گونه‌ای گسترده‌تر شد تا هم زبان‌هایی را دربرگیرد که خاموش شده‌اند (یعنی زبان‌های غیرفعال در آخرین نسخه) و هم زبان‌هایی که تازه گویشورانی یافته‌اند که می‌کوشند آن زبان را به‌عنوان میراث زبانی اجدادشان در قالب زبان دوم بیاموزند. اصطلاح غیرفعال در شانزدهمین نسخه ویرایش‌شده اتنولوگ برای نشان دادن تفاوت میان زبان‌هایی پیشنهاد شد که یا هیچ گویشوری ندارند یا صرفاً برای تعیین هویت قومی اقوامی خاص به‌کار می‌روند. خاستگاه نیاز به ایجاد تمایز میان زبان‌های بدون گویشور اما تعیین‌کننده هویت قومی در مقابل زبان‌های بدون گویشور و عدم متمایزکنندگی هویت قومی، پاسخ به اعتراض شماری از گروه‌های قومی به اصطلاح خاموش بود که باور داشتند یک زبان می‌تواند هیچ گویشوری نداشته باشد اما هویت قومی افراد یک جامعه را تعیین کند. ازهمین‌رو، در ادبیات این حوزه مطالعاتی، برای اشاره به بیدار کردن زبان‌های به‌خواب رفته^۳، مقوله غیرفعال و برای زبان‌ها بدون گویشور و بدون توانایی تمیز دادن قومی مقوله خاموش به نسخه اولیه افزوده شد. اصلاحات و مطابقه‌های اندک صورت گرفته میان طرح اتنولوگ و درک تغییرات زبان‌های در معرض خطر و احیا زبان‌ها نشان می‌دهد که برای توضیح عوامل و موقعیت‌هایی که منجر به نابودی یا احیا یک زبان می‌شود به چارچوب مقوله‌ای جامع‌تر و موثکافانه‌تری نیاز است. نقطه قوت اتنولوگ در مقام شیوه‌نامه‌ای بسیار پرکاربرد در این است که می‌تواند میزان حیات قوم‌زبان‌شناختی^۴ تمامی زبان‌های دنیا – با هر درجه از در معرض خطر بودن یا تکامل – را با کاربست چارچوبی کاملاً همسان تعیین کند. در عین حال، به‌منظور حفظ قدرت قیاس‌پذیری و برای تسهیل مطالعات زمان‌بر در معرض خطر بودن زبان‌ها، چنین مقیاسی باید به پیوستاری از مقولات پایدار پایبند باشد.

1. cants

2. jargons

3. reawakening sleeping languages

4. ethnolinguistic

۴.۲. مقیاس گسست بیننسلی اصلاح‌شده^۱

باتوجه به نقش بنیادی مقیاس گسست بیننسلی فیشمن در ادبیات پژوهش‌های زبان‌های در معرض خطر و تأثیر عمیق و نقش عملی اطلس یونسکو و فهرست جامع وضعیت سلامت زبان‌های دنیای اتنولوگ، همسان‌سازی سه طرح پیش‌گفته (همانند جدول ۴) می‌تواند به‌عنوان ابزاری کارآمد در اختیار تحلیل‌گران و متخصصان قرار گیرد. در جدول ۴ سیزده سطح فهرست شده است. برای ایجاد انطباق با مقیاس فیشمن شماره‌گذاری مربوط به هر سطح حفظ شده اما با توجه به تقسیم‌بندی‌های دقیق‌تر، تعداد آنها افزایش یافته است. در نتیجه آنچه پیش‌تر بر اساس مقیاس فیشمن در سطح ۶ قرار می‌گرفت در مقیاس گسست بیننسلی اصلاح‌شده در سطح ۶الف و ۶ب دسته‌بندی می‌شود. به همین قیاس، ۸الف و ۸ب با سطح ۸ مقیاس فیشمن مطابقت می‌کند. سطوح ۰، ۹ و ۱۰ مقولات توصیفی کاملاً تازه‌ای هستند که امکان طبقه‌بندی تمامی زبان‌های دنیا را میسر می‌کنند. برای افزودن بر دقت سطوح تعریف‌شده، شماره‌های هر سطح با یک یا دو حرف برجسب‌دهی شده تا بتوان مقولات نقشی اصلی آن سطح را مشخص کرد. همچنین در این جدول همسو با چارچوب یونسکو، برای هر یک از سطوح مقیاس گسست بیننسلی اصلاح‌شده، مقوله در معرض خطر/وضعیت سلامت معرفی شده است. توصیف مختصر هر سطح را در ادامه می‌توان مشاهده کرد.

سطح	برجسب	توصیف	یونسکو
۰	بین‌المللی	زبان در جوامع بین‌المللی با مجموعه متفاوتی از نقش‌ها به‌کار می‌رود.	سالم
۱	ملی	زبان برای مقاصد آموزشی، کاری، رسانه‌های جمعی، امور دولتی در سطح ملی به‌کار می‌رود.	سالم
۲	منطقه‌ای	زبان برای اهداف دولتی و رسانه‌های جمعی محلی و منطقه‌ای کاربرد دارد.	سالم
۳	تجارت	زبان در محیط‌های کاری محلی و منطقه‌ای به‌وسیله افراد خودی و بیگانه به‌کار می‌رود.	سالم

1. expanded graded intergenerational disruption scale

یونسکو	توصیف	برچسب	سطح
سالم	سواد زبانی از راه تدریس آموزش داده می‌شود.	آموزشی	۴
سالم	تمام نسل‌ها از زبان به‌صورت شفاهی استفاده می‌کنند و صورت نوشتاری تا حدودی به‌وسیله بخشی از جامعه به‌کار می‌رود.	نوشتاری	۵
سالم	تمامی نسل‌ها زبان را به‌صورت شفاهی به‌کار می‌برند و کودکان آن را به‌عنوان زبان اول خود یاد می‌گیرند.	قوی	۶الف
آسیب‌پذیر	تمامی نسل‌ها زبان را به‌صورت شفاهی به‌کار می‌برند اما شمار اندکی از نسل دارای فرزند آن را به کودکان خود منتقل می‌کنند.	در معرض تهدید	۶ب
نسبتاً در معرض خطر	نسل دارای فرزند زبان را تا اندازه‌ای خوب می‌دانند که بتوانند با آن با هم‌نسلان خود سخن بگویند اما هیچ‌یک از آنان زبان را به فرزندان خود منتقل نمی‌کنند.	در حالت تغییر	۷
به‌شدت در معرض خطر	تنها گویشوران باقی‌مانده نسل پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها هستند.	رو به زوال	۸الف
کاملاً در معرض خطر	تنها گویشوران باقی‌مانده نسل پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها هستند که در موقعیت‌های بسیار کمی به آن زبان سخن می‌گویند.	تقریباً خاموش	۸ب
خاموش	زبان یادآور میراث قومی یک جمعیت قومی خاص است و گویشوران تنها برخی کاربردهای نمادین آن را می‌دانند.	غیرفعال	۹
خاموش	زبان برای احراز هویت قومی به‌کار نمی‌رود و هیچ گویشوری حتی برای کاربردهای نمادین آن نیز وجود ندارد.	خاموش	۱۰

جدول ۴. مقیاس گسست بیننسلی اصلاح‌شده (برگرفته از فیشمن ۱۹۹۱)

۳. ارزیابی وضعیت حیات گیلکی

در پژوهش پیش رو، وضعیت سلامتی گیلکی با کاربست روش کمی و به‌طور مشخص پرسش‌نامه‌ای بیست‌گویه‌ای و با استفاده از مقیاس سه‌درجه‌ای لیکرت مورد ارزیابی قرار گرفت. بر اساس یافته‌های پرسش‌نامه مورد نظر مشخص شد که سطح به‌کارگیری گیلکی،

منطقه‌ای است و این زبان در سطح ملی و بین‌المللی هیچ‌گونه کاربردی ندارد. تجارت با زبان گیلکی محدود به بافت‌های محلی و بسامد وقوع آن اندک است. به سخن دقیق‌تر، تمامی گویشوران از این زبان به‌عنوان وسیلهٔ ارتباطی خود استفاده نمی‌کنند و زبان فارسی در بسیاری از موقعیت‌های ارتباطی جایگزین آن شده است. این در حالی است که آموزش زبان گیلکی نیز به‌صورت رسمی از راه تدریس در مدارس صورت نمی‌پذیرد. توانش زبان گیلکی نزد سخن‌گویان این زبان حاصل انتقال از راه محیط‌های غیررسمی همچون خانه و در پاره‌ای موارد الگوبرداری از هم‌نسلان است - این پدیده به‌طور مشخص در میان پسران رواج دارد. به دلایل جامعه‌شناختی دختران تمایل اندکی به یادگیری و استفاده از این زبان دارند (صافی پیرلوجه ۱۳۹۵: ۱۶۹).

زبان گیلکی دارای خط مشخص نیست و برای نگارش آن از خط فارسی استفاده می‌شود. به‌جز جرایدی چون گیلوا که اشعار یا داستان‌های کوتاهی به گیلکی در آن منتشر می‌شود، زبان و خط رایج در نشریات فارسی است. تمامی نسل‌ها زبان گیلکی را به‌عنوان زبان اول خود در منزل و از راه انتقال بین‌نسلی نمی‌آموزند. امروزه کمتر دانش‌آموز ابتدایی را می‌توان یافت که در شهر رشت به گیلکی سخن بگوید و با ساختارهای آن آشنایی داشته باشد. زبان فارسی در مقام زبان رسمی کشور، جایگزین گیلکی شده است و گویشوران جوان حتی گیلکی را در مقام زبان دوم خود نیز نمی‌آموزند. شمار بسیار اندکی از خانواده‌های گیلک را می‌توان یافت که یا به‌دلیل آگاهی از اهمیت آموزش زبان مادری، گیلکی را به فرزندان خود یاد می‌دهند یا به‌سبب حضور پدربزرگ و مادربزرگ‌هایی که با فرزندان به گیلکی سخن می‌گویند نوه‌هایشان به‌صورت ناخودآگاه این زبان را فرامی‌گیرند. بنابراین، جمعیت گویشوران گیلکی محدود به پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و فرزندانشان می‌شود و خط انقطاعی میان پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها با نوه‌هایشان دیده می‌شود.

علی‌رغم عدم کاربست گیلکی به‌عنوان زبان مادری، تقریباً تمامی افرادی که در نظرسنجی شرکت کردند هویت خود را گیلک تعریف می‌کنند. یعنی از گیلکی برای احراز هویتشان استفاده می‌کنند. این در حالی است که هنوز هم در برخی کاربردهای نمادین

همچون نوروزخوانی، بازارهای محلی، اجرای نمایش‌نامه‌ها به‌ویژه با ژانر کم‌دی زبان گیلکی کاربرد دارد.

نکته حائز اهمیت اینکه در پژوهش حاضر، برای تعیین وضعیت حیاتی گیلکی صرفاً به معیارهای جامعه‌شناختی استناد شده و معیارهای روان‌شناختی و زبان‌شناختی در آن محلی از اعراب ندارند. نتایج آماری این تحلیل را می‌توان در ادامه مطالعه کرد.

۴. نتیجه‌گیری

میانگین سنی افرادی که به پاسخ‌نامه ارزیابی وضعیت حیات گیلکی پاسخ دادند ۴۳٪ بین ۵۱ تا ۸۰ سال، ۳۶٪ بین ۲۶ تا ۵۰ سال و ۲۱٪ بین ۱۰ تا پانزده سال بود. سهم توزیع جنسی پرسش‌نامه نیز به‌صورت برابر بود یعنی ۵۰٪ به مردان و ۵۰٪ به زنان اختصاص یافت. سطح تحصیلات شرکت‌کنندگان ۳۳٪ زیر دیپلم، ۴۱٪ لیسانس و ۲۶٪ فوق‌لیسانس و دکتری بود. ۴۴٪ افراد در گفت‌وگوهای روزانه خود زیاد، ۱۸٪ کم‌وبیش و ۳۸٪ از زبان گیلکی استفاده می‌کردند. بسامد کاربرد گیلکی در تمامی موقعیت‌ها ۵۲٪، برای هیچ‌یک از موقعیت‌ها ۴۱٪، و در برخی از موقعیت‌ها ۷٪ عنوان شد. دامنه گفت‌وگوها از تمامی موضوعات تا هیچ موضوعی متغیر بود که در این میان سهم تمامی موضوعات ۳۸٪، بعضی موضوعات ۱۹٪ و درباره هیچ‌یک از موضوعات ۴۳٪ تعیین شد. ۲۷٪ پرسش‌شوندگان گیلکی را در خانه از والدین خود، ۱۱٪ در مدرسه و از هم‌نسلانشان فراگرفته‌اند و ۶۲٪ گیلکی را یادنگرفته‌اند. ۱۲٪ افراد با فرزندانشان درباره همه چیز به گیلکی صحبت می‌کنند، ۱۴٪ در ارتباط با موضوعات خاصی همچون مسائل خانوادگی با فرزندانشان به گیلکی گفت‌وگو می‌کنند، و ۷۴٪ در مورد هیچ موضوعی با فرزندانشان به گیلکی سخن نمی‌گویند. سهم نوشتن به گیلکی در میان افراد ۱۷٪، نوشتن ۵۴٪ و حد وسط استفاده از گیلکی نوشتاری ۴۷٪ است که از این میان ۳۲٪ افراد از تسلط زیاد، ۳۱٪ از تسلط متوسط و ۳۷٪ از تسلط اندک خود در مهارت نوشتاری گیلکی سخن گفتند. در عین حال، ۸۴٪ باور داشتند که هنگام استفاده از زبان گیلکی در گفت‌وگوهایشان واژگان و ساخت‌های دستوری

اصیل گیلکی را به کار می‌برند، ۳۱٪ کم‌وبیش و ۳۷٪ اطلاعات اندکی از واژه‌ها و ترکیبات دستوری گیلکی داشتند. با وجود این، ۸۴٪ افراد همیشه و ۱۲٪ کم‌وبیش هویت خود را با گیلکی تعیین می‌کنند و تنها ۴٪ هیچ‌گاه خود را گیلک معرفی نمی‌کنند.

۹۵٪ پرسش‌شوندگان بر این باورند که گیلکی در مدارس رشت آموزش داده نمی‌شود ۴٪ معتقدند در برخی مدارس آموزش‌های پراکنده‌ای صورت می‌پذیرد و ۱٪ معتقدند در شهر رشت آموزش رسمی گیلکی در مدارس وجود دارد. ۲۵٪ پدران و مادران پرسش‌شوندگان به گیلکی سخن می‌گفتند، ۴۱٪ بعضی اوقات گیلکی حرف می‌زدند و ۳۴٪ تکلم به این گویش را کنار گذارده‌اند. این در حالی است که هنوز ۶۳٪ پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌های پرسش‌شوندگان به گیلکی سخن می‌گویند، ۲۸٪ آنها در پاره‌ای مواقع گیلکی حرف می‌زنند و تنها ۹٪ جمعیت سالمند گویشوران این زبان نیستند. ۵۲٪ پرسش‌شوندگان گیلکی را در خانه و از والدین خود آموخته بودند، ۱۱٪ هم‌نشینی با همتایانشان را عامل یادگیری زبانشان معرفی می‌کردند و ۳۷٪ اصلاً این زبان را فرانگرفته‌اند.

از منظر ۸۳٪ از پرسش‌شوندگان برنامه‌های رسانه‌ای استانی به زبان گیلکی است، ۱۵٪ بر این باورند که تا حدودی این برنامه‌ها به گیلکی است و ۲٪ معتقد بودند فقط ظاهر ساختارهای زبانی گیلکی است و در واقع برنامه‌های رسانه‌ای استان ترجمه نیم‌بندی است از زبان فارسی. به همین قیاس ۳۱٪ افراد در برخی ادارات و با بعضی از مسئولان به زبان گیلکی سخن می‌گفتند، ۴۸٪ می‌کوشیدند در تمامی موقعیت‌های رسمی به گیلکی صحبت کنند و ۲۱٪ هرگز در موقعیت‌های رسمی از این زبان استفاده نمی‌کردند.

تمامی پرسش‌شوندگان یعنی ۱۰۰٪ آنها دامنه کاربرد زبان گیلکی را منطقه‌ای در نظر می‌آورند و هیچ سهمی برای کاربردهای ملی یا بین‌المللی قائل نبودند. نسبت استفاده از زبان گیلکی برای صحبت با والدین ۱۷٪ در همه موقعیت‌ها، ۳۰٪ برخی مواقع و ۵۳٪ هیچ‌گاه تعیین شد. این در حالی است که در جهت عکس یعنی استفاده از زبان گیلکی برای گفت‌وگو با فرزندان ۲۲٪ همیشه، ۳۲٪ بعضی اوقات و ۴۶٪ هرگز معین شد.

تحلیل‌های آماری مبتنی بر معیارهای جامعه‌شناختی و نه زبان‌شناختی مبین آن است که زبان گیلکی بر اساس مقیاس گسست بینانلسلی اصلاح‌شده یونسکو بین درجه ۶ و ۸ الف قرار دارد. به سخن روشن‌تر، با توجه به اینکه تمامی نسل‌ها زبان را به صورت شفاهی به کار می‌برند اما شمار اندکی از نسل دارای فرزند آن را به کودکان خود منتقل می‌کنند در شمار زبان‌های آسیب‌پذیر، و با استناد به این که نسل دارای فرزند زبان را تا اندازه‌ای خوب می‌دانند که بتوانند با آن با هم‌نسلان خود سخن بگویند اما هیچ‌یک از آنان زبان را به فرزندان خود منتقل نمی‌کنند نسبتاً در معرض خطر است. بنابراین، این زبان بر روی پیوستاری جای می‌گیرد که در یک سر آن زبان‌های آسیب‌پذیر و در سر دیگر آن زبان‌های نسبتاً در معرض خطر وجود دارند.

منابع

- صافی پیرلوجه، حسین، ۱۳۹۵، «هویت‌سازی: مطالعه موردی دختران در رشت»، زبان و زبان‌شناسی، ش ۲۳، ص ۱۵۹-۱۷۳.
- Brenzinger, M., A. et al., 2003, *Language Vitality and Endangerment*, UNESCO Document, Expert Group Meeting on Endangered Languages, <http://www.unesco.org/culture/en/endangeredlanguages>
- Denison, N., 1977, "Language Death or Language Suicide?", *International Journal of the Sociology of Language*, vol. 12, pp. 13-22.
- Dorian, N. C., 1977, "The Problem of the Semi-speaker in Language Death", *Linguistics*, vol. 191, pp. 23-32.
- _____, 1980, "Language Shift in Community and Individual: the Phenomenon of The Laggard Semi-speaker", *International Journal of the Sociology of Language*, vol. 25, pp. 85-94.
- _____, 1981, *Language Death: The Life Cycle of a Scottish Gaelic Dialect*, Philadelphia.
- _____, 1987, "The Value of Language-maintenance Efforts Which Are Unlikely to Succeed", *International Journal of the Sociology of Language*, vol. 68, pp. 57-67.
- _____, (ed.), 1989, *Investigating Obsolescence: Studies in Language Contraction and Death*, Cambridge.
- Fishman, J. A., 1991, *Reversing Language Shift: Assessing Endangerment: Expanding Fishman's GIDS, Draft*, Clevedon.
- _____, (ed.), 2001, *Can Threatened Languages be Saved? Reversing Language Shift*, Clevedon.

- Gal, S., 1978, "Peasant Men Can't Get Wives: Language Change and Sex Roles in a Bilingual Community", *Language in Society*, vol.7, pp. 1-16.
- Grimes, J., 1995, *Language Survey Reference Guide*, Dallas.
- Gordon, R., 2005, *Ethnologue: Languages of the World* (15th ed.), Dallas.
- Lewis, M. P., 2006, *Towards a Categorization of Some of the World's Endangered Languages*, SIL International. Online: <http://www.sil.org/silewp/abstract.asp?ref=2006-002>
- , (ed.), 2009, *Ethnologue: Languages of the World*, 16th Edition, Dallas.
- Lewis, M. P. and Simons, G., 2010, "Assessing Endangerment: Expanding Fishman's GIDS", *Revue roumaine de linguistique*, 55: 2, pp. 103-120.
- Skutnabb-Kangas, T., 2008, "Human Rights and Language Policy in Education", *Language Policy and Political Issues in Education, Vol. 1 of Encyclopedia of Language and Education*, 2nd edition, ed. S. May and N. Hornberger, New York, pp. 107-119.
- Thomason, S. G., 2015, *Endangered Languages: An Introduction*, Cambridge.

